



«جام جم» ضرورت وجود برنامه های گفت وگو محور

و چالش های آن را بررسی می کند

گریز از پاسخگویی

گفت وگو، عبارتی به معنای صحبت، بحث و سخن است که فردوسی، شاعر حماسه سرای ایرانی و سراینده «شاهنامه» این طور از آن بهره می جوید: «نگر نزه دیو اندرین جست وجو/ چه جست و چه دید اندرین گفت وگو» یا حافظ، غزلسرای بزرگ شعر و ادب پارسی این گونه در اشعارش می گنجاندش: «بی گفت وگویی، زلف تو دل را همی کشد/ یا زلف دلکش تو کر روی گفت وگوست» این حاصل جست وجوی مختصر در باب واژه «گفت وگو» است در فضای اینترنت. واژه ای که اگر مدعی گشوده بودن در برابر آرای گوناگون هستیم موظفیم شرایط شکل گیری اش را فراهم کنیم و در این میان رادیو و تلویزیون که عنوان «رسانه ملی» را بر پیشانی دارد وظیفه اش دوچندان است. وظیفه ای که هر چند می توان بیش از این نیز کمر همت به انجامش بست اما در شرایط فعلی هم، تعدد برنامه های گفت وگو محور پرمخاطب چه در رادیو و چه در تلویزیون، نشان از عمل به آن دارد.

گفت وگو با زهرا محمودوند، مجری برنامه «کادر فنی»

روزنه ای پیش از اندیشیدن به مهاجرت



گفت وگو با عادل بزوده کارگردان «حادثه ای در شهر عروسک ها»

دو سالن نیم بند

برای تئاتر کودک کافی نیست



تولیدات با ارزش خانوادگی

در تلویزیون

اگر از منظر حرفه ای به تولیدات تلویزیون نگاه کنیم متوجه می شویم که از نظر کتی نه تنها از حجم تولیدات کاسته نشده بلکه تقریباً در تمام ایام تولیدات مختلفی داریم که روی آنتن می روند ولی از نظر کیفی به نظر می رسد بایستی به سمت افزایش کیفیت برویم.

در مسأله ارتقای کیفی یکی از مهم ترین وجوه، وجه مالی است. مهم ترین بحث، بحث مالی و بودجه است چون اغلب هنرمندان نه بیمه درمانی درست و حسابی و نه بیمه بیکاری دارند پس وقتی در یک پروژه حاضر می شوند باید از نظر مالی تأمین باشند تا با خیال راحت کار کنند. البته هستند همکارانی که غیر از بازیگری، شغل دیگری هم دارند که اسباب ارتزاق آنها در دوران بیکاری می شود ولی همه همکاران کسب و کار دیگری ندارند پس باید تهیه کنندگان تلویزیون به سمتی بروند که دستمزدهای عوامل به موقع و به طور کامل پرداخت گردد و این طور نباشد که برای دریافت یک چک پنج میلیونی مدت ها سرگردان باشند.

سرمایه گذاری و اختصاص بودجه در ارکان تولید سریال باید در درجه اول اهمیت قرار داشته باشد و با توجه به قیپ های تلویزیون در بخش شبکه نمایش خانگی و پلتفرم های آنلاین، توجه به کیفیت هم بحث بسیار مهمی است تا تلویزیون قدرت رقابت با سایر رسانه ها را هم داشته باشد.

البته از نظر کیفی هنوز تلویزیون تولیداتش بسیار خانوادگی تر از تولیدات پلتفرم هاست و عجباً که با وجود صرف هزینه های بالا برای تولید سریال های پرزرق و برق در پلتفرم های آنلاین هنوز خاطرات اغلب مخاطبان از سریال های تلویزیونی است. زرق و برق و بریز و بپاش شاید در ابتدای کار، برای مخاطب عوامل جذابیت داشته باشد ولی وقتی می بینیم ده ها قسمت از یک سریال پلتفرم ها می گذرد و حتی به اندازه یک قسمت سریالی مثل ستایش مخاطب ندارد یعنی آن که کارشان را بلد نیستند.

تأمین بودجه بسیار کلیدی است برای تولید سریال های کیفی ولی به شرط این که بودجه در اختیار کارگردانان متبحر در سریال سازی قرار گیرد نه این که مانند برخی سریال های پلتفرم ها، هر تازه از راه رسیده ای را بیاورند و نام کارگردان کنارش بگذارند. امثال سعید سلطانی اگر سریال هایی مثل پس از باران و ستایش می سازند چون سال ها در سریال سازی تجربه کسب کرده اند و طبیعی است که یک فیلم کوتاه سابقه ساخت یک فیلم بلند نمی تواند به صرف بریز و بپاش های بی حاصل و داستانی قهه الود (!) سریال ساز شود. بودجه ها را باید درست صرف کرد و باید به تاریخچه تلویزیون در تولید سریال های کیفی توجه داشت و این طور نباشد که مثل برخی سریال های پلتفرم ها، بی حساب و کتاب پول را خرج سریال هایی کنند که برخی یادآور حريم سلطان هستند و برخی نیز بعد از چند قسمت تعطیل می شوند یا نمی توانند بعد از چندین قسمت حتی داستان درستی تعریف کنند.

بودجه باید خرج فیلمنامه و اجرایی صحیح گردد به شرط این که فیلمنامه نویسن و کارگردان توانا به خدمت بگیرند. مگر سریال های ماندگار تلویزیون چگونه ماندگار شدند؟ با بریز و بپاش؟ هرگز، سریال های ماندگار با افراد توانمند و صرف بودجه کافی تولید شدند.



امیر آفتاشانی

بازیگر تلویزیون

آذر مهاجر

گروه فرهنگ و هنر

قمه از انتشار یک نامه شروع شد. انتشار نامه سعید مقیسه، رئیس ساترا به پیمان جلی رئیس سازمان صداوسیما در واقع فرصتی بود برای همه به ساترا و نقد عملکردهای نظارتی این سازمان که درصدد تبدیل پلتفرم ها به یک فضای امن فرهنگی است. شروع کشمکش های بین سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر و پلتفرم ها حتی به نوع ارتباط و تعامل آنها با یکدیگر که رقابتی توصیف شده، هم برنمی گردد. داستان بین ساترا به عنوان یک سازمان تنظیم کننده مقررات رسانه ای و پلتفرم ها به مسائل عمیق تر و ریشه ای تر و به زمان شکل گیری و طراحی این سازمان تنظیم کننده مقررات برمی گردد.



داستان یک نامه

درگاه های نمایش فیلم و سریال از جمله فیلمو، نماوا، فیلم نت و دیگری اودی ها از ساترا مجوز فعالیت دریافت می کنند و فعالیت آنها بر اساس قوانین و مقرراتی است که ساترا یا همان سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر تدارک دیده است. سعید مقیسه، رئیس این سازمان در نامه ای به تاریخ ۲۱ خرداد خطاب به رئیس سازمان صداوسیما ۱۲ مورد تنبیهی برای پلتفرم های متخلف را درخواست می کند. این نامه اداری سراز فضای مجازی در می آورد و به سرعت به یک موج رسانه ای تبدیل می شود.

این در حالی است که سعید مقیسه، رئیس ساترا خیلی پیشتر از این اتفاقات در گفت وگو با روزنامه جام جم که به تاریخ ۱۱ تیرماه در صفحه ۱۰ منتشر شد، از برخورد های تشویقی و تنبیهی با پلتفرم ها سخن گفته بود که از این قرار است: حدود چهل پنجاه نوع حمایت فهرست کردیم که به مرور باید شرایطش را فراهم کنیم. همه آنها آماده ارائه نیست اما تعدادی عرضه شده و تعدادی دیگر در حال فراهم شدن شرایط است. مثلاً این که میزبانی رسانه ها قبلاً پولی بود و باید وی اودی ها هزینه مربوط را می پرداختند و الان رایگان شده است و پرداخت هزینه توسط سازمان انجام می شود. حمایت دیگری که ایجاد شده در مورد محتوای سازمانی است. مثلاً ابتدای امسال، ۹۸۰ قسمت فیلم و سریال در اختیار متقاضیان وی اودی ها قرار دادیم که تعدادی از آنها را پخش کردند. تا آخر خرداد هم وقت داشتند، پخش کنند. بسته های حمایتی دیگری هم در راه است.

ساترا که از امکانات و خدماتش به عنوان بسته حمایتی و

تعطیلی درگاه های پخش فراگیر، یک دروغ رسانه ای بزرگ است

هفت تیر کشی پلتفرم ها در نبود ضامن اجرایی



تشویقی برای پلتفرم ها استفاده کرده، حق خود می داند از شیوه های تنبیهی نیز بهره بگیرد و ۱۲ موردی که در نامه سعید مقیسه آمده در واقع راهکاری است برای اجرای قانون در نبود یک بازوی اجرایی.

سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر برای پلتفرم ها قوانینی تنظیم کرده و تمامی پلتفرم های فعال و رسمی کشور این قواعد را پذیرفته و در چارچوب پذیرش همین مقررات، مجوز های لازم را از ساترا دریافت کرده و مشغول به کار شده اند.

این در حالی است که ساترا در مواجهه با تخلف، عدول از مقررات و قانون شکنی، بازوی اجرایی مناسبی برای برخورد با متخلفان نداشته و کندی قوه قضاییه در برخورد با تخلفات فرهنگی و رسانه ای مزید بر علت شده است.



بحث بر سر تعطیلی رسانه های صوت و تصویر فراگیر یا همان پلتفرم ها نیست. تعامل و گفت وگو اولین قدم است

پس از انتشار نامه رئیس سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر به سازمان صداوسیما، بسیاری از فعالان فرهنگی از جمله سینماگران و نیز برخی مسؤولان فرهنگی هنری واکنش نشان دادند و این نامه را آغازی برای اقدام به تعطیلی پلتفرم ها قلمداد کردند. تعطیلی پلتفرم ها که در حقیقت چیزی جز یک دروغ بزرگ نیست، به سرعت در فضای رسانه ای دست به دست شد، در حالی که بی تردید این واکنش ها متأثر از آب گل آلودی است که پلتفرم های متخلف درصدد صید ماهی منفعت از آن هستند. فیلمو، برخلاف دیگر پلتفرم ها، نامه ای قلدرمایانه در پاسخ به رئیس سازمان تنظیم مقررات

قلدری پلتفرم ها

پس از انتشار نامه رئیس سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر به

سازمان صداوسیما، بسیاری از فعالان فرهنگی از جمله سینماگران و نیز برخی مسؤولان فرهنگی هنری واکنش نشان دادند و این نامه را آغازی برای اقدام به تعطیلی پلتفرم ها قلمداد کردند. تعطیلی پلتفرم ها که در حقیقت چیزی جز یک دروغ بزرگ نیست، به سرعت در فضای رسانه ای دست به دست شد، در حالی که بی تردید این واکنش ها متأثر از آب گل آلودی است که پلتفرم های متخلف درصدد صید ماهی منفعت از آن هستند. فیلمو، برخلاف دیگر پلتفرم ها، نامه ای قلدرمایانه در پاسخ به رئیس سازمان تنظیم مقررات

تعطیلی درگاه های پخش فراگیر
یک دروغ رسانه ای بزرگ است

هفت تیر کشی پلتفرم ها در نبود ضامن اجرایی

داستان بین ساترا به عنوان یک سازمان تنظیم کننده مقررات رسانه ای و پلتفرم ها به مسائل عمیق تر و ریشه ای تر و به زمان شکل گیری و طراحی این سازمان تنظیم کننده مقررات برمی گردد.

تاملی بر یک سوال تاریخی

طولانی ترین سانسور تاریخ

در سینمای ایران!

وقتی در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، اولسوراستون، فیلمساز معروف آمریکایی در سینما فلسطین تهران از سینماگران ایرانی پرسید: «چرا سینما را برای روایت انقلاب تان به کار نگرفته اید؟»

دکتر صالح قاسمی، پژوهشگر جمعیت در گفت وگو با «جام جم»:

کم فرزندی

فرهختگی نیست!

برای آینده کشورمان پیش بینی های ترسناکی شده که ارتباط تنگاتنگی با جمعیت دارد. گفته می شود تا ۳۰ سال آینده، جمعیت ایران به قدری پیر می شود که جامعه را قبل از هر چیز باید خانه سالمندان دانست.